

## عنوان مقاله:

بنیاد فضیلت در اندیشه اسپینوزا

## محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 17، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسندگان:

حسین صابری ورزنه - Assistant Professor, Faculty of Theology, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran

اصغر زارع کهنمویی - MSc, Institute for Humanities and Social Sciences, ACECR, Tehran, Iran

## خلاصه مقاله:

اسپینوزا فیلسوف عقل‌گرای سده هفدهم، قائل است که فلسفه و علم باید در جهت کمال انسان به کار گرفته شوند. از این جهت، هم خود را صرف تدوین نظامی فکری می‌کند که غایت آن را سعادت می‌داند، سعادت که مبتنی بر زیست فضیلت‌مندانه است. با توجه به این نظرگاه، در این مقاله در پی فهم حقیقت فضیلت و مبانی متافیزیکی و انسان‌شناختی آن در اندیشه اسپینوزا هستیم. این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است و رویکرد فلسفی را در تبیین مسئله مورد نظر به کار می‌گیرد. به اختصار می‌توان گفت که اسپینوزا فهم خود از فضیلت را بر مبنای دیدگاه وحدت جوهر، این همانی جوهر / خدا و قدرت نامتناهی، سخت‌علی و معلولی، طبیعت‌گرایی، توازی ذهن و بدن و عقل‌گرایی قرار می‌دهد و با تلفیق وجوهی از فلسفه‌های اخلاق افلاطونی، ارسطویی، لذت‌گرا، فایده‌باور، رواقی و هابزی، در نهایت، فضیلت اعلی را معادل قدرت، فعالیت و عقلانیت می‌داند و شناخت عقلی خداوند و عشق عقلانی به او را، در اعلی مرتبه آن قرار می‌دهد. بر اساس چنین شناختی است که انسان از نظر عاطفی نیز بر انفعالات خویش فائق می‌آید و به ثبات می‌رسد.

## کلمات کلیدی:

Spinoza, Virtue, power, Human, Conatus

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526159>

